

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

اشرف دهقانی
۰۸ مارچ ۲۰۱۴

پیوند جنبش زنان با جنبش کارگری ضرورتی انکار ناپذیر برای نیل به رهائی!



هشت مارچ، روز جهانی زن، بر زنان کارگر، بر همه زنان ستمدیده در ایران و جهان و بر زنان مبارز و آزاده ای که در راه رهائی زنان مبارزه می کنند، گرمی باد.

جنبش زنان، جنبشی که هدفش رسیدن به برابری زنان در همه زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با مردان است، امروز راه صعب و دشوار خود را با گام هائی استوار و شتابان به پیش در پهنه سراسر گیتی در می نوردد. گسترش سرمایه داری حتی در عقب مانده ترین کشورها، از یک طرف ارتش عظیمی از کارگران (کارگرانی متشکل از زن و مرد) که با نیروی پر قدرت خود گورکنان اصلی این نظام هستند را پدید آورده است و از طرف دیگر زنان را نیز به مثابه نیروئی که تحت ستم مضاعف سرمایه داران و حکومت های ناشی از آنان و همچنین فرهنگ مردسالاری در جامعه قرار دارند، در وسعت همه جهان، به بازار کار و به صحنه مبارزه با سیستم سرمایه داری و مظالم آن کشانده است.

"هر جا ظلم هست، مبارزه هم هست". بر این اساس می بینیم که در شرایط کنونی که جهان سرمایه داری به خصوص تحت پوشش مذهب شدیدترین ظلم ها و ستم ها را نسبت به زنان اعمال می کند، شاهد مبارزات وقفه ناپذیر آنها نیز می باشد. کافی است به نمونه استعمار بسیار وحشیانه کارگران زن در بنگله دیش که برای کمپانی های لباس در کشورهای غربی پوشاک تهیه می کنند و به مبارزات گسترده آنها توجه کنیم. این کارگران نه فقط به دلیل کارگر بودن بلکه علاوه بر آن به خاطر زن بودنشان با یکی از بدترین شرایط کار که مشقت ها و رنج های زیادی بر کرده آنها می گذارد مواجه اند؛ در عین حال هر از چند گاهی نیز یا به دلیل آتش سوزی یا فرو ریختن ساختمان محل کارشان که خود ناشی از برخورد جنایتکارانه سرمایه داران با این کارگران می باشد جان خود را از دست می دهند. در برخورد به شرایط ظالمانه کار و چنین فجایی، زنان کارگر در این کشور بارها به مبارزه برخاسته و تظاهرات ده ها هزار نفری برپا کرده اند.

در ایران شدت ستم بر کارگران زن به حدی است که رژیم حتی از انعکاس اخبار مربوط به سوانح محیط کار آنها نیز جلوگیری می کند؛ تا جائی که انعکاس وسیع خبر سقوط دو زن کارگر از یک واحد تولیدی در حال آتش سوزی در تهران در ۲۹ دی ماه [جدی] امسال را باید یک استثنا به شمار آورد. در چنین شرایطی اخبار مبارزات زنان نیز تنها در رویدادهای غیر قابل کتمان به گوش دیگران می رسد. با این حال انعکاس شدت ظلم و ستمی که بر زنان و به خصوص کارگران زن در ایران اعمال می شود را همگان به طور برجسته در نمونه برخورد رزمجویانه و دلاورانه زنان در جریان خیزش سال ۸۸ مشاهده کردند.

زنان ایران، اعم از کارگر یا زنان ستمدیده دیگر، در همه حوزه های زندگی با ظلم و ستم مواجه اند. سلطه فرهنگ مردسالارانه در خانواده و جامعه که با سلطه رژیم جمهوری اسلامی هر چه شدیدتر گشته است همراه با قوانین و اعمال خشونت بار این رژیم در حق زنان، جنبه هائی از ستم های وارد به زنان ایران است که خود زمینه بکری برای استعمار شدیدتر زنان زحمتکش و تحمیل بی کاری به آنها به نفع سرمایه داران فراهم آورده است. در چنین اوضاعی است که زنان برای رهایی از هر گونه ظلم و ستم و دست یابی به برابری با مردان علی رغم شرایط شدیداً مختنق و دیکتاتوری حاکم، در اشکال گوناگون دست به مبارزه می زنند. جنبش زنان در ایران درست در رابطه با وجود چنین مبارزه ای در بطن جامعه، صورت واقعیت به خود گرفته است.

اما، گاه وقتی از جنبش زنان صحبت می شود، با توجه به تبلیغات سوئی که از طرف فمینیست ها صورت گرفته، کسانی جدائی زنان از مردها را از این جنبش استنباط می کنند. در حالی که واقعیت این طور نیست. در جنبش زنان نیز نظیر همه جنبش های اجتماعی نظرات مختلفی وجود دارد که دو نظر ناشی از دو دیدگاه متضاد در آن برجسته است. یکی نظر کمونیست های راستین است که همواره تأکید می کنند که قرار گرفتن زنان در موقعیت فرودست نسبت به مردان، محصول به وجود آمدن مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و تقسیم جامعه به طبقات می باشد؛ و از این رو معتقداند که دست یابی زنان به حقوق برابر با مردان و رهایی کامل آنها از هر گونه ستم و استعمار تنها با از بین بردن سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه امکان پذیر است. در مقابل این کمونیست ها، نظر و دیدگاه فمینیستی قرار دارد که علت فرودستی زنان در جامعه و فرهنگ مردسالارانه حاکم را ناشی از مردها و ظلم آنها به زنان می داند. بر این اساس، مطابق نظر فمینیستی اگر نگوئیم از بین بردن مردان، منطقیاً تربیت آنان باید راه رهایی زنان تلقی شود، آنهم در شرایطی که سیستم سرمایه داری همواره فرهنگ مردسالاری را بازتولید و به طرق مختلف از جمله همانطور که امروز شاهدیم از طریق حکومت های مذهبی آن را تقویت می کند؛ از طرف دیگر غایت معتقدین به فمینیسم انجام فرم هائی در چهارچوب سیستم سرمایه داری حاکم می باشد همانطور که مثلاً چند سال پیش به لغو قوانین ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با حفظ خود این رژیم دل بسته بودند. اتفاقاً همین ها معمولاً کمونیست ها را به دلیل اعتقاد به این که مسأله زنان

به طور اساسی با رسیدن به سوسیالیسم و از بین بردن طبقات امکان پذیر است، متهم به عدم اعتقاد یا عدم توجه به مبارزات روزمره زنان می کنند. در حالی که به عکس، این آموزش آویزه گوش هر کمونیست زن یا مردی است که مبارزه برای کسب حقوق پایمال شده زنان هر چقدر هم کوچک باشد راه را برای دست یابی زنان به رهایی کامل، تسهیل و تسریع می کند. بنابراین، دفاع، کمک به تقویت و ارتقاء سطح آن مبارزات وظیفه تخطی ناپذیر کمونیست ها، اعم از زن یا مرد می باشد. هر مبارز کمونیست در ضمن باید بکوشد که شناخت همه جانبه ای از فرهنگ مردسالاری کسب کرده و با جدیت تمام علیه تسلط این فرهنگ چه در خانواده و چه در جامعه مبارزه کند.

این نکته را هم باید یادآور شد که در جامعه ما، مرز محکمی کمونیست های راستین را از معتقدین به فمینیسم حتی اگر ادعای کمونیست و سوسیالیست بودن را هم داشته باشند، متمایز می کند. جایی که اینها با جدا کردن مبارزات زنان از مردها می کوشند انرژی زنان را در کوره راه های فمینیستی به هرز ببرند، کمونیست های راستین سعی دارند همه مبارزات زنان را به سوی یک هدف که همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر کشور می باشد، کانالیزه کنند. این کمونیست ها بر این باورند که تاریخ رسالت پیروزی بر سرمایه داری را بر دوش طبقه کارگر قرار داده است و مبارزات زنان تنها در پیوند با این طبقه قادر به رسیدن به اهداف والای خود می باشد. از این روست که آنها بر قراری پیوند بین جنبش زنان با طبقه کارگر را از اهم وظایف خود به شمار می آورند. به امید آن که همه ما بتوانیم در راه پر فراز و نشیب و صعب و دشوار جنبش زنان به سوی آزادی واقعی زنان، قدم های هر چه مؤثرتری برداریم.

ششم مارچ ۱۳۹۲